

حمایت از حقوق محیط‌زیست از منظر حقوق بین‌الملل بشر

علیرضا سایبانی^۱، علیداد شهبازی^۲

چکیده

حقوق محیط‌زیست در حال حاضر در کنار سایر حوزه‌های متحول حقوق بین‌الملل نظیر؛ حقوق مخاصمات مسلحانه، حقوق بشر، حقوق تجارت بین‌الملل یکی از گرایش‌های خاص، جدید و مورد علاقه در مطالعات حقوق بین‌الملل است. بعد از دهه هفتاد قرن بیستم و به دنبال تشدید تنزل کیفیت محیط‌زیست، وقوع حوادث آلودگی به ویژه آلودگی نفتی، شیمیایی و هسته‌ای و هشدار دانشمندان و سازمان‌های بین‌المللی، به تدریج ادبیات این گرایش از حقوق بین‌الملل آغاز و تا به امروز توسعه قابل توجهی را به خود دیده است. توجه سازمان‌های بین‌المللی، تشکیل کنفرانس استکهلم و ریو و طرح برخی از دعاوی مهم زیست‌محیطی نیز سهم قابل توجهی در توسعه این گرایش داشته‌است. به نظر می‌رسد با آغاز هزاره سوم، حقوق بین‌الملل با درکی تازه از جهان مواجه باشد. این درک تا حدود زیادی وابسته به تحلیل شرایط پیچیده عصر حاضر است. محیط‌زیست به عنوان ارزشی بنیادین و اولیه که سایر حقوق در بستر آن مجال تولید، رشد، توسعه، ارتقا و تضمین می‌یابند، رفته‌رفته می‌رود تا جایگاه خود را در سلسله مراتب هنجارهای حقوقی بازابد. به وجود آمدن احزاب، انجمن‌ها و NGO هایی در این زمینه، حمایت قوانین اساسی و دادگاه‌های بین‌المللی نگاهی ویژه را در حمایت از حقوق محیط‌زیست به وجود آورده است. سوالی که مورد بررسی است این می‌باشد که چرا حمایت از محیط‌زیست باید مورد توجه قرار گیرد و در صورت عدم حمایت چه عواقبی در پی خواهد داشت؟

واژگان کلیدی: محیط‌زیست، حقوق بشر، مشارکت، خسارت.

^۱ دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس (نویسنده مسئول)

^۲ دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس

مقدمه

سال ۱۹۹۶ مورد پذیرش قرار گرفت. با این نگاه که برخی از این مدافعان به دنبال توسعه آئین‌نامه ویژه‌ای بودند که از طریق آنها بتوان بر اجرای حقوق بشر توسط دولتها نظارت نمود. برخی دیگر از مدافعان به دنبال توسعه قواعد حقوق بشری جدید برای پاسخگویی به معضلات جدیدی بودند که منزلت و رفاه بشر را تهدید می‌نمود. مسئله حمایت از محیط‌زیست در این شرایط به منصفه ظهور رسید (همان، ۱۱۶).

تعریف محیط‌زیست

برای این واژه دو نگرش ایجاد شده است: یک نگرش این است که عنوان محیط‌زیست از دو کلمه محیط و زیست ترکیب یافته است که در فارسی به معنای جایگاه و محل زندگی است. این عنوان از نظر لغت مواردی همچون آلودگی هوا، راه‌های جلوگیری از تخریب طبیعت و ... را شامل نمی‌شود، اما امروزه مفاهیم گوناگون را از آن ارائه می‌نمایند مثل آب و هوا، جنگل، کوه، حقوق حیوانات و پرندگان، راه‌های جلوگیری از آلودگی هوا، راه‌های مبارزه با عوامل مخرب طبیعت و ... محیط‌زیست در اصطلاح به کلیه عوامل تهدید کننده یا بهبودبخش محیط زندگی اطلاق می‌شود.

اما نگرش بعدی بیانگر این است که چیزی به نام محیط وجود ندارد و این واژه یک معنای نسبی به مفهوم پیرامون دارد، همان‌طور که از مشتقات واژه با مراجعه به کتاب لغت پیدا است، این واژه یک معنای نسبی به مفهوم پیرامون دارد یعنی چیزی که توسط پیرامون خود محاط شده است. موردی که در اینجا مهم قلمداد می‌شود این است که

به‌زعم حقوقدانان در عرصه بین‌الملل، حمایت از محیط زیست در کنار عناصری چون امنیت در عرصه جهانی و داخلی، صلح همه‌جانبه و حقوق بشر، چهار ارزش بنیادین و نهادینه شده، البته چالش‌انگیز در جامعه بین‌الملل می‌باشند. از میان این ۴ ارزش بنیادین محیط‌زیست به همراه حقوق بشر دارای قدمت بیشتری نسبت به سایرین برخوردارند. این قدمت از زمان برگزاری کنفرانس استکهلم می‌باشد که داعیان حقوق بشر در پی یافتن راهی بودند برای ایجاد ارتباط متقابل میان حقوق بشر و حمایت از محیط‌زیست. باید بیان داشت این دوشاخه هرچند در یکدیگر ادغام نشده‌اند اما توانسته‌اند بر یکدیگر تأثیرات متقابلی بگذارند. با پذیرش اعلامیه جهانی حقوق بشر بعد از جنگ جهانی دوم، جایگاه حقوق بشر در عرصه بین‌المللی مورد توجه قرار گرفت، هر چند برخی از مصادیق آن همچون برده‌داری، حمایت از اقلیت‌های مذهبی قبل از جنگ جهانی دوم مورد پذیرش قرار گرفته بودند. هدف اولیه حقوق بشر حمایت از افراد در قبال سوء استفاده‌های احتمالی قدرت است. تعهد و تضمین حقوق بشر بر عهده دولت‌هاست، در این راستا دولت‌ها نه تنها می‌بایست حقوق بشر را رعایت نمایند، بلکه می‌بایست احتیاطات مقتضی را معمول دارند تا حقوق بشر افراد توسط بازیگران غیردولتی نیز رعایت گردد (فرح‌زاد، ۱۳۸۸: ۱۱۵).

مسأله حمایت از محیط‌زیست زمانی مورد توجه مدافعان حقوق بشر قرار گرفت که میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق حقوق مدنی و سیاسی در



پارک، محیط اداره. لیکن کلیه این حرکت‌ها و جابجایی‌ها در محدوده محیط‌زیست صورت می‌گیرند، زیرا مفهوم محیط‌زیست، چه از نظر لغوی و چه از لحاظ واقعیت آن، در بر گیرنده کل فضای حیاتی کره خاکی می‌باشد. به بیان دیگر این محیط‌زیست است که، در درون خود محیط‌های گوناگون را جای داده است.

محیط‌زیست، دست‌کم به معنای امروزی آن در بسیاری از زبان‌ها یک اصطلاح نو و تازه است، سابقه کاربرد آن در فرانسه و به قرن دوازدهم برمی‌گردد. این اصطلاح از آغاز دهه ۱۹۶۰ کاربرد پیوسته پیدا کرده است.

در دیگر زبان‌ها هم کلمات جدیدی در خلال همین دهه به منظور رساندن مفهوم فوق مورد استفاده واقع شدند. برای مثال در زبان آلمانی Umwell، در زبان هلندی Milieu، در زبان اسپانیایی Medio Ambiente و در زبان ژاپنی Kan Kyo بکار رفته است.

این ابداعات واژگانی به این امر اشارات دارد که تقریباً ۳۰ سال پیش بخش عظیمی از جهان همزمان به کشف پدیده تازه‌ای دست یافت که رودرروی جهان مدرن قرار دارد، پدیده‌ای که بایستی بر آن نشانی خاص نهاد و آنرا مورد مطالعه و بررسی قرار داد. تعاریف گوناگونی از محیط‌زیست، در متون حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی ارائه شده است.

متن حقوقی مصوب شورای جامعه اقتصادی اروپا، در تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۹۶۷ می‌باشد که در تعریف محیط‌زیست چنین می‌گوید: محیط‌زیست شامل: آب، هوا، خاک و عوامل درونی مربوط به حیات هر موجود زنده می‌گردد.

بدانیم، منظور ما از محیط‌زیست کدام موجود است این موضوع اهمیت دارد زیرا آنچه وضعیت یک محل را برای زیست یک نوع موجود زنده بهبود می‌بخشد می‌توان محیط‌زیست یک موجود دیگر را تباه کند. حال در مجموع باید گفت: محیط‌زیست عبارت است از آنچه که فرآیند زیستن را احاطه کرده، آن را در خود فرو گرفته و با آن در کنش متقابل قرار دارد. با توجه به این تعریف آیا می‌توان مرزهای مشخصی برای محیط‌زیست تعیین نمود آیا فرآیند حیات بدون استفاده از هوا و خاک میسر است آیا بدون بهره‌برداری منطقی از خاک، می‌توان مواد غذایی تولید نمود و امکان تغذیه سالم جمعیت رو به تزاید را فراهم ساخت؟

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که محیط‌زیست همه چیز را در بر می‌گیرد. هم انسان و هم طبیعت و هم رابطه این دو را شامل می‌شود. در کلیه فعالیت‌های بشر تأثیر داشته و نیز از آن متأثر می‌شود. محیط یک موجود زنده عبارت است از فضایی که موجود زنده را احاطه کرده و از طریق روابط متقابل گوناگون با آن در تماس قرار دارد. به بیان دیگر، محیط را می‌توان مجموعه عوامل جاندار و بی‌جان دانست که، در یک فضای مشخص و در زمانی معین موجود زنده را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند.

البته پدیده‌های غیرزنده نیز می‌توانند دارای محیط باشند، لیکن فاقد محیط‌زیست‌اند، به عنوان مثال سنگ مادر تحت تأثیر عوامل محیطی (تخریب فیزیکی، شیمیایی، بیولوژیک) به خاک مبدل می‌شود. در صورتی که موجود زنده از مکانی به مکان دیگر تغییر وضعیت دهد، محیط آن موجود تغییر می‌یابد مانند حرکت از محیط خانه به خیابان، محیط

آلاینده‌ها اشاره کرده است. بطور کلی حقوق محیط‌زیست عبارتند از مجموعه قواعدی که در ارتباط با حفظ محیط‌زیست و روابط انسان و محیط باشد. حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به عنوان سلسله‌ای از قواعد عرفی و قراردادی بین‌المللی از جدیدترین و گسترده‌ترین شاخه‌های حقوق بین‌الملل عمومی است که جهت تنظیم روابط تابعان حقوق بین‌الملل در زمینه حفاظت از محیط‌زیست ایجاد شده است.

محیط‌زیست و حمایت حقوق از آن

برای حفاظت از محیط‌زیست، دولتمردان با بکارگیری قوانین و مقرراتی و با استفاده از ارگان‌های دولتی یا حتی پلیس نسبت به حفاظت منطقه‌ای یا حفاظت از گونه‌ها همت می‌گمارند. قوانین در این زمینه می‌توانند در مقام عمل به عنوان ضابطی الزام‌آور تلقی شوند. اوصاف الزامی بودن حقوق و ضمانت اجرای آن، تأمین کننده اجبار قواعد حقوقی بوده، به گونه‌ای که از رفتار زیان‌آور به محیط‌زیست جلوگیری می‌کند (حبیبی، ۱۳۸۴: ۱۰). توسعه رشته حقوق محیط‌زیست به دهه ۱۹۷۰ یعنی دوران اکولوژی برمی‌گردد، که در جهت کاهش آلودگی و جلوگیری از انقراض نسل جانوران وحشی و گیاهان در سطح جهان گام‌هایی برداشته شد. در دهه ۱۹۸۰ علاقمندی راجع به تأثیر قواعد حقوقی برای حمایت از محیط‌زیست افزایش یافت و به آهستگی و بی‌وقفه از سوی مراجع قانونگذاری کوشش‌های لازم به عمل آمد. باید گفت حقوق محیط‌زیست بطور کلی نمی‌تواند همه مشکلات محیط‌زیست را حل کند، مسلماً

محیط‌زیست شامل مجموعه‌ای از به هم پیوستگی عوامل بیرونی است که رشد و حیات موجودات زنده انسانی و جانوری و گیاهی متأثر از آن است می‌گردد (Jariwala, 1980: 2). تعاریف دیگری، مبنی بر قبول این نظر در مقدمه بیانیه کنفرانس سازمان ملل متحد، درباره محیط‌زیست انسان در سال ۱۹۷۲ در استکهلم به دولت‌ها اعلام می‌کند: انسان مخلوق و تشکیل دهنده محیط زیست خود است. محیطی که به وی بقای فیزیکی، فرمت رشد معنوی (اخلاقی، اجتماعی و روحی) اعطا می‌کند، اشاره به انسان شکل‌دهنده محیط‌زیست خود، به این معنی است که محیط‌زیستی که به دست انسان ساخته شده نیز باید مورد توجه قرار گیرد (همان، ۲۰).

محیط‌زیست در تعریف ما این چنین بیان می‌گردد: محیطی که در آن حیات وجود دارد و امکان زندگی را برای موجود زنده فراهم می‌کند و از دو بخش محیط طبیعی و محیط آنان ساخته تشکیل می‌شود و لایه حیاتی بیوسفر دارد. یکی از جوانترین و مهم‌ترین شاخه‌های حقوق است. اهمیت این رشته بیشتر از این جهت است که با حیات و سلامتی انسان، بطور مستقیم ارتباط دارد. بدین لحاظ که حقوق محیط‌زیست هم در عرصه داخلی و هم در عرصه بین‌المللی جایگاه ویژه و ارزنده‌ای دارد. این رشته و دامنه آن در حال گسترش است. از آنجا که مشکلات زیست‌محیطی به عنوان معضل بین‌المللی در تمامی جوامع مطرح می‌شود، بی‌شک تلاش‌های مشابه و یکسانی در سطح جهان برای مبارزه با این مشکلات در جریان است که به تکنیکی بودن حقوق محیط‌زیست و حفظ استانداردهای خاص در مورد اندازه‌گیری علمی آلودگی هوا و سایر



سیر تحول تاریخی حقوق محیط زیست

هرچند در سراسر تاریخ بطور پراکنده اقداماتی در جهت یافتن راه چاره آلودگی یا آثار آن اعم از آلودگی‌های هوا، آب، خاک و صدا انجام شده اما آگاهی نسبت به کل لایه حیاتی یا در بخش عمده‌ای از آن، موضوع نسبتاً جدیدی است و مبدأ پیدایش آن به اواخر دهه ۶۰ میلادی بر می‌گردد. حتی وقتی کنوانسیون‌های بین‌المللی هدف را روی بخشی از فعالیت‌های معین یا روی آن قسمت از آنچه ما امروز محیط‌زیست می‌نامیم، مثل ماهیان یا پرندگان قرار داد، موضوع اصلی تنظیم بهره‌برداری از آنها از بعد سودمندی اقتصادی مطرح بود. در طول قرن نوزدهم قراردادهای بین‌المللی در خصوص ماهیگیری منعقد گردیده است که بیشتر آنها بر محور مناطق ماهیگیری دور می‌زند و غالباً کمتر به موضوعات حفاظتی و بیشتر به ابعاد اقتصادی تکیه دارد. به هر شکل حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را می‌توان در ۳ دوره تاریخی بررسی نمود:

حقوق محیط‌زیست در سه دوره تاریخی مورد توجه در عرصه بین‌المللی بوده است، این سه دوره عبارتند از:

الف) قبل از سال ۱۹۷۲ (کنفرانس استکهلم)

در این دوره حقوق محیط‌زیست عمدتاً به صورت قراردادهای دوجانبه میان کشورها و کمیسیون‌های بین‌المللی، منطقه‌ای بوده است که می‌توان به کنوانسیون‌های زیر اشاره کرد.

۱- کنوانسیون ۱۹۰۲ پاریس در خصوص حفاظت از پرندگانی که در کشاورزی مفید هستند؛

۲- کنوانسیون ۱۹۰۹ در حقوق حفاظت از آبهای مرزی

میان کانادا و آمریکا، موسوم به کنوانسیون واشنگتن؛

عقیده‌ای دور از واقعیت است ولی اینکه ابزارهای قانونی را هم بطور کلی به کنار نهیم نیز نتیجه‌ای جزء فروپاشیدن حفاظت از محیط‌زیست را عائد ما نخواهد کرد. فهم بهتر ما از جایگاه و نقش حقوق در جهان کنونی دیدگاه ما را نسبت به آن متوازن می‌سازد و از افراط و تفریط رهایی‌مان می‌بخشد (همان، ۱۰).

نقش حقوق محدود به وضع و صدور دستورالعمل و اعمال ممنوعیت‌ها نیست، بلکه بر انواع ترغیب‌ها و بازدارندگی‌ها و خلق ابزارهای مدیریتی نیز مشتمل است. بنابراین مکانیزم حفاظت از محیط‌زیست تحت سه درجه قابل توصیف است:

درجه اول: قوانینی که بیشتر ناظر به اصول کلی قوانین اساسی در حقوق داخلی یا اعلامیه یا قرارداد بین‌المللی در سطح جهانی که ارزش‌های زیست‌محیطی برای نگهداری و حفاظت در برابر تخریب است (دبیری، ۱۳۸۷: ۲۴).

درجه دوم: باید سیاست‌ها و خط‌مشی مربوط به محیط‌زیست که باید به عنوان یک دستور مراقبتی با احترام به ارزش‌های زیست‌محیطی در انطباق با وضع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متداول در نظر گرفته شود.

درجه سوم: اسناد حقوقی‌ای که در ارتباط با اهداف بالا به وسیله سیاست‌های زیست محیطی مشخص شده‌اند. محتوای این اسناد می‌تواند اقتصادی، سیاسی، اجتماعی یا آموزشی باشند.

۳- اساسنامه سازمان بهداشت جهانی در سال ۱۹۴۶. محیط‌زیست است (Pimental, 1998: 38).

ویژگی خاص این کنوانسیون‌ها، منطقه‌ای بودن آنها بود که برای حفاظت از یک منطقه خاص تشکیل می‌شد.

ب) از سال ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۲

ج) از سال ۱۹۹۲ تا به حال

۲۰ سال بعد از استکهلم، سومین متن حقوقی غیرالزام-

آور که در توسعه حقوق بین‌الملل تأثیر به‌سزایی داشت

تحت عنوان بیانیه ریو تدوین و تصویب شد. در بیانیه ریو

مسئله توسعه پایدار به عنوان یک نقطه کلیدی در حقوق

بین‌الملل محیط‌زیست مطرح شد. در این بیانیه بسیاری

از اصول حقوقی جدید از قبیل اصول پیشگیری،

احتیاطی، جلوگیری و اصل توسعه پایدار مطرح شده

است. از سال ۱۹۹۲ کنوانسیون‌های بین‌المللی مهمی در

حقوق بین‌الملل بوجود آمد که می‌توان به کنوانسیون

تغییرات آب‌وهوا، پروتکل کیوتو در خصوص تغییرات

آب‌وهوایی یا کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل متحد در

خصوص بهره‌برداری از آبراهه‌ها و راه‌های بین‌المللی در

مقاصد غیرکشتریانی اشاره کرد. در سال ۲۰۰۲ یعنی ۱۰

سال بعد از بیانیه ریو، بیانیه ژوهانسبورگ واقع در آفریقای

جنوبی با تأکید بر اصول مطرح شده در بیانیه ریو صادر

شد.

در سال ۱۹۷۲ بسیاری از سران دولت‌های جهان در

استکهلم گردهم آمده که در نتیجه این گردهمایی یک

متنی غیرالزام‌آور تحت عنوان بیانیه ۱۹۷۲ ایجاد شد. این

بیانیه یک متن غیرالزام‌آور است و ارزش حقوقی معاهدات

را ندارد اما در خصوص تأثیر این بیانیه به جرأت می‌توان

گفت که بیش از معاهدات بین‌المللی بوده است. از

مهمترین آثار این بیانیه در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

می‌توان به ایجاد قواعد عمومی و اصول حقوقی در حقوق

بین‌المللی محیط‌زیست و کمک به تکامل و توسعه این

رشته اشاره کرد. هر چند در بیانیه سال ۱۹۷۲ قواعد

الزام‌آور وجود ندارد اما این بیانیه توانست اصولی را در خود

مندرج کند که ناشی از حقوق عرفی بود به عبارت دیگر

این بیانیه توانست برخی از اصول عرفی پراکنده را در یک

متن حقوقی غیرالزام‌آور جمع نماید. به همین علت سال

۱۹۷۲ نقطه عطف حقوق بین‌الملل محیط‌زیست شمرده

می‌شود هر چند قبل از سال ۱۹۷۲ اقداماتی پراکنده از

سوی دولتها برای حفاظت از محیط‌زیست در نظر گرفته

شده بوده اما بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ یک اقدام جهانی برای

حفاظت محیط‌زیست به شمار می‌آید. ده سال بعد، در سال

۱۹۸۲ منشور جهانی طبیعت در مقر سازمان ملل متحد به

تصویب کشورها رسید. منشور جهانی طبیعت منشوری

است که همانند بیانیه استکهلم ۱۹۷۲ اولاً غیرالزام‌آور بوده

ثانیاً تجمیع‌کننده عرف‌های پراکنده حقوق بین‌الملل

رویکرد حقوق بین‌الملل بشر در حمایت از حقوق

محیط‌زیست

در ارتباط میان حقوق بشر در حمایت از حقوق زیست

چهار رویکرد مورد توجه در اسناد بین‌المللی بوده است.

۱- رویکرد اول: حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، قواعدی

هستند که برای تضمین حمایت موثر از محیط‌زیست

توسط حقوق بشر ضروری به نظر می‌رسد. این رویکرد بر

حقوقی همچون: آزادی اجتماعات که وجود و فعالیت



منابع حقوق بین‌الملل محیط‌زیست

- سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی را مجاز می‌دارد، حق دسترسی به اطلاعات که می‌تواند در حفاظت از طبیعت مورد بهره‌برداری قرار گیرد مورد تأکید قرار دهد.
- ۲- **رویکرد دوم:** مربوط به حقوق بین‌الملل بشر است، یعنی هنجارهای حقوق بشر مورد حمایت بین‌المللی را به گونه‌ای تفسیر می‌نماید که دارای بعد زیست‌محیطی گردند، با این استدلال که تنزل و افول محیط‌زیست مانع بهره‌مندی کامل افراد از حقوق بشر می‌گردد. این رویکرد کاملاً انسان‌محور است (Ibid,40).
- ۳- **رویکرد سوم:** بر طبق این رویکرد از تعامل میان حقوق بشر و حقوق محیط‌زیست، حق بنیادین جدیدی با عنوان حق بر محیط‌زیست سالم و امن ایجاد می‌گردد، محیط‌زیستی که نه تنها برای انسان‌ها امن است بلکه از بعد زیستی نیز متعادل است و برای مدتی طولانی پایدار باقی می‌ماند.
- ۴- **رویکرد چهارم:** حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تعهدات اخلاقی و حقوقی افراد را در جهت حمایت از محیط‌زیست و حقوق بشر اعلام می‌دارد. طرفداران این رویکرد حمایت از محیط‌زیست به جای آنکه آن را حقوق قلمداد نمایند، آنرا مسئولیت جامعه بشری می‌دانند و در پیش‌نویس اعلامیه‌های مربوط به مسئولیت‌های بشری، همانند منشور خاک بر تعهدات انسان‌ها در خصوص محیط‌زیست تأکید می‌ورزند (فرحزاد، پیشین: ۱۱۷).
- دو سند منطقه‌ای در دست است که می‌توان آنها را به عنوان قدیمی‌ترین مفاهیم محیط‌زیست به شمار آورد. اولی کنوانسیون ۱۹۳۳ لندن راجع به حفاظت از جانوران و گیاهان در حالت‌های طبیعی قابل اجرا در آفریقای دوران استعمار می‌باشد که موجب احداث پارک‌های طبیعی و حفاظت دقیق از نسل برخی از انواع حیوانات وحشی می‌گردد. سند دوم کنوانسیون ۱۹۴۰ واشنگتن راجع به حفاظت طبیعت و حیات وحش در نیمکره غربی است که احداث قرقگاه‌ها و حفاظت از حیوانات وحشی و نباتات و به‌ویژه پرندگان مهاجر را مدنظر قرار می‌دهد. همچنین در بین دو جنگ جهانی، آلودگی برخی از رودخانه‌ها و دریاچه‌ها با ذکر آلودگی در معاهدات در خصوص قابل انتقال بودن آلودگی از مرز کشورها آمده است این کوشش‌ها بعد از جنگ جهانی دوم بیشتر در اروپا استمرار داشت در نتیجه مأموریت‌های بین‌المللی در رابطه با رودخانه‌های موزال، راین و دریاچه لمن به منظور کنترل آلودگی آبهای آنها بوجود آمده است در نتیجه این کوشش‌ها، مبارزه با آلودگی دریاها در طول دهه ۵۰ میلادی پدید آمد. کنوانسیون لندن در سال ۱۹۵۴ راجع به حفاظت دریاها از آلودگی نفتی نخستین گام آزمایشی در این راستا به حساب می‌آید. فناوری جدید در خصوص نحوه بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای منجر به مقررات بین‌المللی بیشتری شد. معاهده ۱۹۶۳ مسکو مبنی بر ممنوعیت آزمایش سلاح‌های هسته‌ای در جو، ماورای جو و زیر آب از آن نمونه است نگرانی بشر نسبت به محیط‌زیست به طور فزاینده‌ای در متون حقوق بین‌المللی عمومی آشکار می-

قضایی آنها موجب صدمه به محیط‌زیست تحت کنترل دیگر کشورها یا عرصه‌های ماورای محدوده علمی آنها نگردد.

الف) کنفرانس استکهلم

این کنفرانس جهانی به ابتکار سازمان ملل متحد از تاریخ ۵ تا ۱۶ ژوئن ۱۹۷۲ در استکهلم تشکیل شد و بزرگترین کنفرانس بین‌المللی است که تا این تاریخ تشکیل شده بود و در آن بیش از ۶۰۰۰ نفر به نمایندگی از ۱۱۳ کشور به همراه نمایندگان از سازمان‌های بین‌المللی و ناظرانی از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی شرکت داشته‌اند در این کنفرانس اعلامیه محیط‌زیست بشر که تنظیم کننده اصولی است که حقیقتاً راهنمای عملی در طول دو دهه در سراسر جهان به شمار می‌آید به تصویب رسید بعد از این کنفرانس روند توسعه حقوق محیط‌زیست در مرحله نخست موارد معینی از موضوعات محیط‌زیست را طرح می‌کند و اسنادی با برد بین‌المللی مورد تصویب قرار می‌گیرد موضوعات مطروحه عبارتند از: اقیانوس‌ها، آبهای زیرزمینی، هوا، خاک و حیات وحش و به همین ترتیب این روند توسعه در قلمرو قانون‌گذاری داخلی در بیشتر کشورها تسری می‌یابد و مقررات خاصی هم از سایر مسائل محیط‌زیست در مرتبه بالاتری در یک قالب کلی‌تر وضع می‌شود.

ب) منشور جهانی طبیعت

قبل از هر چیز به طور خلاصه باید گفت از جمله اسنادی که به طور موثر روند توسعه گسترده حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را فراهم می‌کند و پایه‌های ذهنی و عقلانی بنیادی حفاظت محیط‌زیست را به طور خیلی جدی بعد از

شود، مانند معاهده قطب جنوب در سال ۱۹۵۹ که به موجب آن همه فعالیت‌های هسته‌ای در ششمین قاره جهان منع می‌گردد و اقدامات حفاظتی در خصوص جانوران و گیاهان در این قاره مورد قبول واقع می‌شود. معاهده دیگر در سال ۱۹۶۷ راجع به فضای ماورای جو اصول حاکم بر فعالیت کشورها را زمینه‌اکشاف و بهره‌برداری از فضای ماورای جو از جمله ماه و سایر اجرام آسمانی اعلام می‌کنند و می‌گویند دولت‌ها باید از آلودگی زیان‌آوری که موجبات تأثیر بر کره زمین را فراهم می‌کند یا از تولید موادی که به زمین صدمه می‌زنند اجتناب کنند (زاهدی، ۱۳۹۱: ۶۹). در کنار این تحول تاریخی رویه قضایی دادگاه‌های بین‌المللی به طور تصاعدی اصول پایه‌ای حاکم بر کوچکترین بخش‌های حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را راجع به آلودگی‌های فرامرزی بنیان نهاد. اولین آنها رأی داوری است راجع به خسارتی که کارخانه ذوب فلز مس در سرزمین کانادا به کشاورزان آمریکایی وارد می‌سازد که اعلام می‌دارد: هیچ دولتی حق ندارد از سرزمین خود به نوعی استفاده کند و یا اجازه استفاده از آن را به گونه‌ای بدهد که در نتیجه آن با نشر گازهای آلوده کننده باعث خسارت به سرزمین دولت دیگری که اموال اشخاص در آن قرار دارد بشود. در رأی دیوان دادگستری بین‌المللی لاهه در قضیه تنگه کورفو اعلام می‌کند که: هیچ دولتی در استفاده از سرزمین کشور خود حق ندارد به دیگر دولتها صدمه وارد کند. باز اخیراً در سال ۱۹۹۶ رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری وجود الزامی همگانی را برای دولتها به رسمیت می‌شناسد که در نتیجه آن دولتها باید تضمین کنند که اعمال انجام شده در داخل محدوده قلمرو



تفکیک‌ناپذیر توسعه تلقی نمایند و نباید آن را به طور جداگانه مورد بررسی قرار دهند.

در پایان باید گفت نقش نمایندگان افکار عمومی و پدیدار شدن آنها به عنوان بازیگران جدید توانمند در فرآیند وقوع مقررات بین‌المللی که در طول جریان تدارک کنفرانس ریو و مذاکره در خصوص پیمان‌هایی از قبیل حفاظت لایه ازن به خوبی نمایان است آنها بعنوان متخصصین در جهت

تکمیل رژیم حقوقی محیط‌زیست جهانی و همچنین شرکت در مذاکرات مجامع مختلف بین‌المللی چه در مقام محرک اولیه و چه ابزار اطلاعات علمی و حتی گاهی با تهیه پیش‌نویس توافقنامه‌های مهم بین‌المللی و حتی در هنگام لزوم، حضور به هم‌رسانی به عنوان هیأت نمایندگی رسمی دولت و شرکت در اجلاس‌ها گام بر می‌دارند. کامل کردن رابطه محیط‌زیست و توسعه در مفهوم جدید توسعه پایدار به رسمیت شناخته شده است به موجب دو سند غیرالزام‌آور اعلامیه ریو و دستور کار ۲۱ که بر قوام و قدرت قانونی کامل بخشیدن به حقوق بین‌الملل محیط‌زیست تأثیر داشته، از نتایج کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص محیط‌زیست و توسعه است. به دنبال آن در اثر پافشاری شورای حکام یونپ توسعه بیشتر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را در هدف توسعه پایدار تصویب نموده است. افزایش رو به رشد اسناد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و تحریک بازیگران اصلی (دولتها و سازمان‌های بین‌المللی) به قبول مسئله با تعهدات زیست‌محیطی بین‌المللی همراه بوده است. روش‌های قدیم و جدید در حد اطمینان بخشی صدور و دستور مراقبت را مبنی بر اجرای الزامات در این حوزه، در بر دارد.

اعلامیه استکهلم مطرح می‌کند منشور جهانی طبیعت است که رسماً به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۸ اکتبر سال ۱۹۸۲ تصویب و اعلام شد (فهیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۴). این منشور پیش‌بینی می‌کند که مقررات اجرایی باید در جهت حفاظت از طبیعت بکار گرفته شود، به ویژه در رابطه با مسائل اجتماعی و برنامه‌ریزی اقتصادی تأکید می‌شود که باید از این ابزارها استفاده گردد.

ج) کنفرانس ریو

مبدأ اصلی کنفرانس جهانی محیط‌زیست و توسعه به گزارش رونت لند بر می‌گردد که مجمع عمومی سازمان ملل متحد آن را تصویب می‌کند و براساس آن تصمیم می‌گیرد که در سال ۱۹۹۲ کشورهای جهان را به کنفرانس جهانی به نام محیط‌زیست و توسعه دعوت نماید. قبل از انجام آن بنا به مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل متحد کمیته مقدماتی با شرکت اعضای ملل متحد شامل هیأت‌های نمایندگی از دولت‌ها به خصوص کارشناسان رشته‌های مختلف تشکیل می‌گردد کمیته مقدماتی در سه نشست بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۲ مشکلات را بررسی می‌نمود و جلسه نهایی کمیته به دو از مذاکرات رسمی تشکیل شود. در این کنفرانس حدود ۱۰۰۰۰ نفر شرکت کننده شامل سران دولتها به همراه نمایندگان دولتها، نمایندگان غیردولتی معتبر و روزنامه نگارها حضور یافتند یکی از اسناد این کنفرانس شامل اعلامیه محیط‌زیست و توسعه و یک برنامه عملی است که معروف به دستور کار ۲۱ می‌باشد. اصل چهارم این اعلامیه مهم تلقی می‌شود در آنجایی که می‌گوید. دولتها برای دستیابی به یک توسعه پایدار باید از حفاظت از محیط‌زیست را بعنوان جزء

اصول پایه‌ای حقوق محیط‌زیست

الف) اصل حاکمیت بر منابع طبیعی

دولت‌ها از حق حاکمیت انحصاری بر منابع طبیعی خود برخوردارند، اما اعمال این حق نباید سبب ورود خسارت به محیط‌زیست دیگر کشورها یا مناطق خارج از صلاحیت دولت‌ها شود. به موجب این اصل که یکی از کهن‌ترین اصول حقوق بین‌الملل می‌باشد، دولت در قلمرو خود دارای صلاحیت انحصاری می‌باشد. به عبارت دیگر دولت تنها قدرتی است که می‌تواند قواعد حقوقی الزام‌آوری را در قلمرواش به تصویب برساند و به وسیله قوه مجریه آن را به اجراء درآورد و همچنین حق قضاوت به وسیله دادگاه‌های موجود در محدوده قلمرو خود را مطابق قوانین تصویبی دارد. بند ۷ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد اعلام می‌کند که: هیچ یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارد که در اموری که ذاتاً جزء صلاحیت داخلی کشورهاست دخالت کنند و اعضا را نیز ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را برای حل و فصل تابع مقررات این منشور قرار دهند. مشابه مقررات مذکور، اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم مقرر می‌دارد: دولت‌ها طبق منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل دارای حق حاکمیت بهره‌برداری از منابع طبیعی خود مطابق سیاست‌های زیست‌محیطی خود می‌باشند.

ب) اصل همکاری

در زمینه حمایت از محیط‌زیست، همکاری بین‌المللی در کل برای حفاظت از محیط‌زیست یک اصل ضروری است، به ویژه برای دولت‌ها در جهت حق اعمال صلاحیت سرزمینی در فضای خارج از قلمرو مرزهایشان، از جمله

دریاهای آزاد، منطقه جنوب و یا جاهای دیگر این همکاری ضروری است. اغلب همکاری بین دولت‌ها برای حفاظت محیط‌زیست در سطح نهادها و ترتیبات بین‌المللی پدیدار شده است. البته برخی از مشکلات محیط‌زیست را نمی‌توان با اتخاذ روش ساده‌ای به وسیله مقررات حل کرد. برای حل آنها نیاز به پیشرفت سطح همکاری بین دولت‌های ذیربط است که انجام این کار تنها با موجودیت بخشیدن سازمان‌های دائمی توسعه می‌یابد (حبیبی، پیشین: ۷۳).

اصل ۲۴ اعلامیه استکهلم می‌گوید: تمام کشورها اعم از کوچک و بزرگ باید به موضوعات بین‌المللی راجع به حفاظت و بهبود محیط‌زیست با روحیه همکاری برپایه مساوات رسیدگی کنند. اصل ۷ اعلامیه ریو، راجع به محیط‌زیست و توسعه نیز مبنای مهمی در اصل همکاری تلقی می‌گردد، به ویژه به خاطر قائل‌شدن نقش‌های ویژه بین دو دسته دولت یعنی دولت‌های صنعتی و کشورهای در حال توسعه.

ج) اصل حمایت و حفاظت از محیط‌زیست

اصل حمایت و حفاظت از محیط‌زیست، از اصول پایه‌ای دیگر در چارچوب یک الزام برتر هدف خاصی را طراحی می‌کند و آن الزام دولت‌ها به همکاری است. ماده ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل متحد در این زمینه اعلام می‌دارد، دولت‌ها متعهد هستند که از محیط‌زیست دریایی حمایت و محافظت نمایند.

همین‌طور در کنوانسیون‌های منطقه‌ای که به الزام دولت‌ها به اصل حفاظت محیط‌زیست دلالت دارند، می‌توان از قدیمی‌ترین آنها در ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۶۸ آفریقا



ه) اصل احتیاطی

این اصل که از مهم‌ترین ابتکارات اعلامیه ریو تلقی می‌گردد، در اصل ۱۵ خود اعلام می‌دارد به منظور حفظ محیط‌زیست کشورها باید ضوابط و معیارهای پیشگیرانه حمایتی را براساس توانایی‌های خود بطور مبسوط مورد استفاده قرار دهند. در جایی که امکان خطر جدی وجود دارد یا مسائل و مشکلات ناشناخته زیان‌هایی را به بار می‌آورد باید نواقص بطور کامل و علمی مورد بررسی قرار گیرد و نباید به دلیل اینکه ضوابط مبارزه با آلودگی محیط‌زیست پرهزینه است، از آن چشم‌پوشی کرد. تنظیم اصل احتیاطی در مقررات، کار نسبتاً جدیدی است این اصطلاح ابتدا در یک اعلامیه تصویبی به وسیله کنفرانس بین‌المللی برای دریای شمال در سال ۱۹۸۷ پیدا شد و سپس در بیشتر اسناد تصویبی بین‌المللی در رابطه با حفاظت محیط‌زیست از سال ۱۹۹۰ به بعد اعمال شده است. این اصل همچنین یکی از پایه‌های سیاست زیست‌محیطی اتحادیه اروپا تحت پیمان ۱۹۹۲ ماستریخت تلقی می‌گردد.

رابطه حقوق بشر و محیط‌زیست

رویکرد این مبحث در دو بخش مورد بررسی است: بخش اول حقوق بشر مندرج در اسناد حقوق بین‌الملل محیط زیست و در بخش دوم حمایت از محیط‌زیست حمایت از محیط‌زیست در حقوق بین‌الملل بشر مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

راجع به حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی نام برد که مقرر می‌دارد، دولت‌های طرف معاهده باید با قبول اقدامات مراقبتی متعهد شوند که در جهت بهره‌برداری و توسعه منابع طبیعی از جمله خاک، آب، گیاهان و جانوران حمایت لازم را تأمین نمایند (رمضانی، ۱۳۹۰: ۶۴). همین‌طور بر طبق ماده اول موافقتنامه ۱۹۸۵ آسه‌آن، دولت‌های طرف قرارداد توافق می‌کنند که در مقررات داخلی خود این زمینه را فراهم کنند که بطور انفرادی یا برحسب نیاز، اقدامات ضروری مبنی بر حفاظت لازم از فرآیند اکولوژیک و پشتیبانی از سیستم‌های حیات، حفظ تنوع ژنتیک و مراقبت از وسایل پیشرفته نیروی تولید برای بهره‌برداری منابع طبیعی در قلمرو تحت صلاحیت خود بنیاد نهند.

د) اصل جلوگیری

اصل جلوگیری مستلزم استفاده از فنون ویژه از قبیل تجزیه و تحلیل احتمال خطر و پس از آن ارزیابی پیامدهای به جا مانده از فعالیت‌های انجام شده است (حبیبی، پیشین: ۷۸). مطابق ماده ۲۰۶ کنوانسیون حقوق دریاها: هرگاه دولت‌ها دلایلی منطقی در دست داشته باشند حاکی از اینکه فعالیت‌هایی که تحت صلاحیت یا نظارت آنها برنامه‌ریزی شده است موجب آلودگی شدید محیط‌زیست دریایی شده یا تغییرات اساسی و زیان‌آوری در آن به وجود آورده، باید تا حدی که عملی باشد اثرات بالقوه این فعالیت‌ها را بر محیط‌زیست ارزیابی کرده و گزارش‌های مربوط به نتایج این ارزیابی‌ها را برای اعضا ارسال دارند.

عدم وجود تعهدی بر دولت‌ها نسبت به تضمین حق اساسی تحت عنوان حق بر محیط‌زیست سالم و امن، آنگونه که نماینده آمریکا پیشنهاد داد، مدافعان حقوق-بشر را بر آن داشت که در دهه بعد از کنفرانس استکهلم بیشتر به حقوق بشری توجه نمایند که بهره‌مندی از آنها به عنوان پیش‌شرط حمایت موثر از محیط‌زیست است. آنها بیشتر بر سه حق شکلی تأکید نمودند:

۱-۱- حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی

۱-۲- حق مشارکت مردم در اتخاذ تصمیمات زیست‌محیطی

۱-۳- حق جبران خسارت در صورت بروز آسیب‌های زیست‌محیطی

اسناد بین‌المللی متعددی به ویژه بسیاری از اسناد اروپایی، بر مبنای همین حقوق شکل گرفته‌اند تا به اصل یک اعلامیه استکهلم معنا بخشند.

۱-۱- حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی

این حق در مفهوم مضیق به آزادی جستجوی اطلاعات زیست‌محیطی اطلاق می‌گردد اما در مفهوم موسع می‌تواند در معنای حق دسترسی به اطلاعات و یا حق دریافت اطلاعات زیست‌محیطی بکار برده شود. حق دسترسی به اطلاعات در برخی اسناد بین‌المللی مربوط به محیط‌زیست به صورت کلی مورد اشاره قرار گرفته است، از جمله:

الف) کنوانسیون چارچوب سازمان ملل: در خصوص تغییرات آب و هوایی، رویکرد ضعیفی در مورد حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی دارد. این کنوانسیون در ماده ۴ مقرر می‌دارد دولت‌های متعاقد در

۱- حقوق بشر در اسناد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در کنفرانس استکهلم توسط دولت‌ها و بازیگران غیر-دولتی ارتباط میان حقوق بشر و حمایت از محیط‌زیست مطرح گردید و این ارتباط تاکنون نیز ادامه دارد. جامع‌ترین طرحی که در کنفرانس توسط نمایندگان دولت‌ها مطرح شد، متعلق به دولت آمریکا بود. در این کنفرانس نماینده آمریکا اعلام نمود:

همه افراد نوع بشر از حق محیط‌زیست سالم و امن شامل هوا، آب، خاک، غذا و نیازهای مادی برخوردارند، کلیه این موارد می‌بایست تا حد کفایت از آلودگی و سایر عناصری که رفاه و سلامت انسان را به مخاطره می‌اندازد مبری باشند این پیشنهاد مورد استقبال سازمان‌های غیر-دولتی شرکت‌کننده در کنفرانس قرار گرفت، اما دولت‌های شرکت‌کننده به اصل ۱ اعلامیه نهایی استکهلم اکتفا نمودند اصل مزبور مقرر می‌دارد: انسان از حقوق بنیادین آزادی، برابری، شرایط کافی زندگی در محیط زیستی برخوردار است که به وی اجازه زندگی همراه با منزلت و رفاه را اعطا نماید و او مسئولیت خطیری دارد که محیط‌زیست را برای نسل‌های فعلی و آتی محافظت نموده و ارتقا دهد. این اصل بر حق محیط‌زیست سالم و امن صدق ندارد اما به وضوح میان حقوق بشر و حمایت از محیط‌زیست ارتباط برقرار می‌نماید، به گونه‌ای که حمایت از حقوق بشر را یک هدف بنیادین دانسته و حفاظت از محیط‌زیست را ابزاری برای وصول به این هدف قلمداد نموده است (فرح‌زاد، پیشین: ۱۱۸).



- سطح ملی، بین‌منطقه‌ای یا منطقه‌ای مطابق قوانین و مقررات داخلی و در چارچوب ظرفیت‌های مربوطه، دسترسی عموم به اطلاعات و مشارکت مردم را ارتقاء داده و تسهیل نمایند (تقی‌زاده، ۱۳۸۵: ۹۴).
- ب) اعلامیه ریو در ماده ۱۰ مقرر می‌دارد:** افراد می‌بایست به اطلاعات زیست‌محیطی شامل: اطلاعاتی در خصوص مواد و فعالیت‌های خطرناک در جوامع آنها، دسترسی مطلوب داشته باشند. همچنین می‌بایست از فرمت مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری برخوردار باشند.
- دولت‌های عضو متعهدند آگاهی عمومی و مشارکت را از طریق در دسترس قرار دادن اطلاعات به نحو گسترده تسهیل و تشویق نمایند. علاوه بر حق دسترسی به اطلاعات در اسناد بین‌المللی، در برخی اسناد منطقه‌ای نیز مورد توجه قرار گرفته از جمله: ماده ۱۶ کنوانسیون هلسینکی در خصوص حفاظت و بهره‌برداری از آبراه‌های فرامرزی و دریاچه‌های بین‌المللی و بند سوم ماده ۸ کنوانسیون اسپو در خصوص آثار زیست‌محیطی در زمینه‌های فرامرزی.
- ۱-۲- حق مشارکت عموم در تصمیمات زیست‌محیطی**
- مشارکت عموم در فرآیندسازی از عوامل مهمی است که به قواعد حقوقی مشروعیت می‌بخشد و افراد جامعه را به تبعیت از آنها وا می‌دارد. مهم‌ترین نقشی که توسط عموم مردم در حمایت از محیط‌زیست قابل اجراء است، مشارکت در اتخاذ تصمیمات زیست‌محیطی است. در بسیاری از اسناد زیست‌محیطی به حق مشارکت عموم در اتخاذ تصمیمات زیست‌محیطی اشاره گردیده است که عبارتند از:
- الف) اعلامیه ریو:** اعلامیه ریو در اصول مختلف خود به مشارکت طبقات مختلف اجتماع در حمایت از محیط زیست اشاره نموده است، مشارکت زنان (اصل ۲۰)، جوانان (اصل ۲۱) مردم بومی (اصل ۲۲).
- ب) اصل ۲۳ منشور جهانی طبیعت تصریح نموده است:** کلیه افراد مطابق قوانین داخلی خود می‌بایست از حق مشارکت فردی یا همراه با دیگران، در اتخاذ تصمیماتی که تأثیر مستقیمی بر محیط‌زیست دارند برخوردار باشند و چنانچه محیط‌زیست آنان آسیب ببیند یا تنزل یابد از حق جبران خسارت برخوردار باشند (مشهدی، ۱۳۸۸: ۸۴).
- ج) کنوانسیون تغییرات آب و هوایی:** در ماده ۴۱، دولت‌های عضو را به ارتقاء دانش عمومی و تشویق مشارکت گسترده عموم در این فرایند ملزم می‌نماید.
- ۱-۳- حق برخورداری از جبران خسارت**
- اسناد قابل ملاحظه‌ای به حق برخورداری از جبران خسارت وجود دارد که می‌توان به این موارد اشاره نمود:
- الف) اصل ۱۰ اعلامیه ریو:** دسترسی موثر به رسیدگی قضایی و اداری شامل جبران خسارت و تظلم‌خواهی می‌بایست فراهم گردد.
- ب) دستور ۲۱ دولت‌ها و قانونگذاری را دعوت می‌نماید تا رسیدگی‌های قضایی و اداری را به منظور جبران خسارات قانونی که ناشی از اقداماتی است که بر محیط‌زیست تأثیر می‌گذارند، فراهم آورند.**
- ج) کنوانسیون اسپو در خصوص آثار زیست‌محیطی در زمینه فرامرزی (۱۹۹۱).**

۲- بررسی حقوق بشری حمایت از محیط‌زیست

باید گفت بخش مهمی از حقوق بین‌الملل بشر هم اکنون به حمایت از حقوق محیط‌زیست معطوف گشته است و این حمایت‌ها از طریق سازوکارهای شکایت بین‌المللی در جهت نیل به اهداف زیست‌محیطی به عنوان ابزاری محسوب می‌گردد. این بدان معناست که به دلیل عدم وجود مرجعی خاص برای رسیدگی به مسائل مربوط به حمایت از محیط‌زیست، مراجع بین‌المللی رسیدگی کننده به موارد نقض حقوق بشر توسط دولت‌ها، به فعل یا ترک فعل دولت‌ها در خصوص حمایت از محیط‌زیست نیز رسیدگی می‌نمایند (فرح‌زاد، پیشین: ۱۲۴). مصادیق حقوق بشر که به نحوی با حمایت از محیط زیست مرتبط می‌باشند (پروین، ۱۳۹۵: ۱۲۷) عبارتند از:

۲-۱- حق مالکیت

حق مالکیت در ماده اول پروتکل کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بر حق بهره‌مندی صلح‌آمیز افراد از دارایی‌های خود مقرر کرده است. اما کمیسیون اروپایی حقوق بشر نقص ماده یک مزبور را به دلیل آلودگی و آسیب‌های زیست‌محیطی مورد پذیرش قرار داده است (Seer, 1995: 263).

۲-۲- حق آزادی اطلاعات

ماده ۱۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند دوم ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و همچنین ماده ۹ منشور آفریقایی حقوق و تکالیف افراد بر حق آزادی اطلاعات تأکید کرده‌اند. براین اساس دولت‌ها متعهد می‌شوند اطلاعات

زیست‌محیطی را در اختیار عموم مردم خود قرار دهند. این اطلاعات می‌تواند رفاه و سلامتی را در وضعیت اضطراری در مسائل زیست‌محیطی تضمین نماید (Jacobowicz, 1998: 22).

۳-۲- حق برخورداری از سطح زندگی مناسب

این اصل به موجب بند اول ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد شناسایی قرار گرفته است. به موجب این بند: کشورهای طرف این میثاق، حق هرکس را به برخورداری از سطح زندگی مناسب برای خود و خانواده‌اش از قبیل غذا، پوشاک و مسکن کافی و ... به رسمیت می‌شناسد، Generalcomment (63: 1991). عواملی دیگر چون حق حیات و بهداشت، حق بر زندگی خانوادگی، حق بر تشکیل اجتماعات، حق مشارکت در اداره عمومی کشور و حق بر جبران خسارت مورد تأکید حقوق بشر در حمایت از محیط‌زیست مورد تأکید قرار گرفته است (Res, 2001: 20).

نتیجه‌گیری

توجه حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به ملاحظات اقتصادی و اجتماعی در اجرای قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست، موجب گردیده محیط‌زیست به عنوان بخشی مهم از فرایند توسعه پایدار درآید و تأکید بیشتری بر لزوم هماهنگی «توسعه و محیط‌زیست» در میان اسناد و بیانیه‌های سازمان ملل متحد شود. الزام و اقتدار قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل محیط زیست، از معاهدات بین‌المللی، عرف بین‌الملل و اصول کلی حقوق کسب می‌شود. از آنجایی که هنوز کنوانسیون جامع درباره



می‌کنند. اما تأکید بیشتر اسناد سازمان ملل در خصوص توسعه پایدار بر این است که کشورها براساس شرایط خود قوانین شفاف و پاسخگو وضع نمایند. از آنجایی که محیط‌زیست به عنوان ارزشی کلیدی و پذیرفته شده، حیات و سلامتی انسان‌ها و دیگر موجودات به آن وابسته است، نیازمند ارتقاء در عالی‌ترین قواعد حقوقی است که این مسئله در اکثر قوانین اساسی دچار نقصان که البته به صرف اختصاص یک یا چند اصل در قانون اساسی و یا قوانین عادی ضرورتاً به معنای اساسی‌سازی محیط‌زیست نخواهد بود. ارتباط متقابل میان حقوق بشر و حمایت از محیط‌زیست غیرقابل انکار است. هدف اولیه حقوق بشر و حمایت از محیط‌زیست، سلامت انسان است. رفاه انسان‌ها مورد حمایت حقوق بشر است و این امر بدون وجود شرایط ابتدایی چون بهداشت و سلامت که دولت تعهد به ایجاد، حفظ و ارتقای آن دارد امکان‌پذیر نخواهد بود. تعرض به محیط‌زیست علاوه بر مخاطره انداختن سلامتی، حقوق بشر را هم در معرض تهدید قرار می‌دهد. باید گفت بطور کلی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در اغلب موارد حمایت از حقوق بشر را نیز به دنبال دارد، به آن دلیل که انسان بخشی از جهان هستی است. امروزه بسیاری از اهداف حقوق بشر و محیط‌زیست در یک راستا قرار گرفته‌اند، زیرا کیفیت زندگی اعضای جامعه بشری در چارچوب حمایت از محیط‌زیست قرار دارند.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- پروین، خیراله (۱۳۹۵)، *حقوق بشر*، جلد اول، تهران: انتشارات میزان.

توسعه پایدار وجود ندارد که به بیان حقوقی از مفهوم آن بپردازد، به بررسی اصول در کنار سایر مفاهیم مرتبط با آن در حقوق بین‌الملل محیط زیست پرداخته شد. این اصول که عمدتاً، از عرف بین‌الملل وارد متون نوشته و قراردادی شده‌اند به نحوی تمام اعضای جامعه بین‌الملل را متعهد و ملزم می‌کنند اگرچه درجه الزام‌آوری آنها متفاوت است. اما باید به آن‌ها در یک مجموعه یکپارچه نگریسته شود. چراکه هر اصلی اصول دیگر را تکمیل می‌کند.

تقریباً همه اصول حقوق بین‌الملل محیط‌زیست در جهت اثبات مفهوم توسعه پایدار به کار می‌آیند. اصولی از قبیل: اصل حاکمیت بر منابع طبیعی، اصل تعهد به همکاری، اطلاع رسانی و کمک در مواقع اضطراری زیست‌محیطی، اصل حمایت و حفاظت از محیط‌زیست، اصل الزام به پرداخت غرامت توسط آلوده کننده محیط‌زیست، اصل جلوگیری و اصل احتیاطی. البته مفهوم توسعه پایدار به طور مستقیم و واضح در میان مفاهیم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست مثل (مفهوم میراث بشریت، مفهوم حقوق نسل‌های آینده) بیشتر از این اصول به چشم می‌خورد و جهت اجرای توسعه پایدار جهانی تعهد به اصل مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت کشورها که از مفاهیم بسیار مهم حقوق بین‌الملل محیط‌زیست می‌باشد، بسیار تأکید شده است.

در پایان لازم به ذکر است که اختلافی که کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه بر سر پذیرش مفهوم توسعه پایدار دارند، ناشی از این طرز تفکر است که توسعه پایدار را الگویی واحد برای تمام کشورها فرض



ment valous.

- ۲- تقی زاده، جواد (۱۳۸۵)، «مسأله اساسی‌سازی نظم حقوقی»، مجله پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، شماره ۱۱.
- ۳- حبیبی، محمدحسن (۱۳۸۴)، *حقوق محیط‌زیست*، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۴- دبیری، مینو (۱۳۸۷)، *آلودگی محیط‌زیست*، جلد اول، تهران: انتشارات بهشتی.
- ۵- رضانی، لیلا (۱۳۹۰)، *آلودگی‌های محیط زیست*، جلد اول، تهران: انتشارات تولید پاکتر.
- ۶- زاهدی، عاطفه (۱۳۹۱)، *مجموعه قوانین محیط زیست*، جلد اول، تهران: انتشارات جنگل.
- ۷- فرحزاد، مهسا (۱۳۸۸)، «حقوق بشر و حمایت از محیط‌زیست»، مجله حقوق اساسی، سال ششم، شماره ۱۱.
- ۸- فهیمی، عزیز اله (۱۳۹۱)، *مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در فقه و حقوق ایران (مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه و اسناد بین‌المللی)*، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ۹- مشهدی، علی (۱۳۸۸)، «تحولات اخیر حق بر محیط‌زیست در حقوق اساسی فرانسه»، *مجله حقوق اساسی*، سال ششم، شماره ۱۱.

لاتین:

- 1- C. M. Jariwala (1980). *The constitution 42nd Amendment ACT and Environment*. in Legal control OF Environmental.
- 2- D. Pimental (1998). *Ecology of increasing Diseases: population Growth and Environmental Degradation*. Bioscience.
- 3- Jacobowicz and Others (1998). In media and democracy. *Council of Europe Publish*.
- 4- Jariwala (1980). *The constitution 42nd amendment act and environment*. In legal control of environmental.
- 5- Res (2001). 2001/25, *The right too food*, e/ cn.42001.
- 6- Seer. Desgagne (1995). *Integrating environ-*